

سپک فگرش



از زندگی ات حذف کن!



پشت میکروفون روز دختر را به دختران و والدین دختردار تبریک گفت و با دختران از روزی که نامگذاری کرد، اگر موضوع به همین جاست می‌شود خیلی هم کار زیاده‌اش کرده بود، ولی بعد از تبریک شروع کرد از مزایای دختر داشتن بر یکی که به بعد از تولد دختر به این سراساز می‌شود، صحبت کردن که البته تا اینجای ماجرا هم می‌شد با موضوع کنار آمدن کارفرها تمایز نداشت و بحث رسید به

ببیند و حتی آینده‌اش تباه شود. دکتر غفوریان در این باره این گونه توضیح می‌دهد: «تبعیض‌های تربیتی که گاهی پدرو مادرها تمام می‌دهند پیامدهای بسیاری را به دنبال دارد که شاید خود پدر و مادر هم از آن بی‌اطلاع باشند. زمانی که پدر و مادر تنها به دلیل جنسیت رفتارهای

خیلی وقت‌ها دخالت خانواده‌ها باعث می‌شود یک زندگی از هم بپاشد و یکی از این دخالت‌ها درباره جنسیت نوه‌شان است؛ گاهی خود زن و شوهر دلشان فرزند دختر می‌خواهد، ولی آنقدر ترس فشار حرف‌های خانواده قرار می‌گیرند که ته دلشان آشوب است و حتی نسبت به علائق خودشان هم دودل می‌شوند!

اگر از صرافا عاقله‌مند بودن به داشتن فرزند پسر بگذریم، می‌توانیم به پیش‌زمینه‌های ذهنی پدر و مادر درباره فرزند پسر یا دختر به هم اشاره کرد. از راه‌زوری‌های اجتماعی در دختران، پدر و مادر و خانواده‌ها را به داشتن فرزند پسر عاقله‌مند می‌کند، راه‌زوری‌های مانند اینکه تربیت دختران سخت‌تر از پسران است، چون خطراتی را که دختران را در اجتماع تهدید می‌کند، بسیار بیشتر از اتفاقات خوشایندی است که می‌تواند برای پسران رخ دهد. شاید به همین خاطر هم هست که پدر و مادر به‌ای لباس پوشیدن، ظاهر و رفتار، روابط و رفت و آمدهای دختران نسبت به پسران حساس‌ترند. گاهی این‌ها تصور می‌کنند اگر پسرها تا نیمه شب به بیرون از خانه باشند، خطر آنچنانی تهدیدشان می‌کند، اما همین شرایط برای پسران می‌تواند بسیار خطرناک و ترسناک باشد و شاید به همین خاطر باشد که والدین گاهی محدودیت‌های بیشتری از حدی برای دخترانشان در نظر می‌گیرند که اتفاقاً فرآیند آن پیامدهای مأمولیتی به‌هم دنبال دارد. همه این‌ها نگرانی‌هایی است که پدر و مادر قبل از فرزندزاد شدن با این تفکر می‌کنند که پسر کردن پسرهایساز کردن فرزند را در صورتی که نیاز به داشتن فرزند پسر داشته باشند، در حالی که دکتر صالح دین‌غفریان با قوف تخصص روانشناسی در این‌بار می‌گوید: «این تصور که بزرگ کردن پسرها نسبت به دخترها اصلاً درست است، خطری که در گذشته وجود داشت، در صورتی که همان‌طور صحیحی نیست و در جامعه همان خطراتی که یک دختر تهدید می‌کند، می‌تواند برای یک پسر هم خطرناک باشد. خانواده‌ها گاهی این تصور که فرزند پسر می‌تواند از دانش داشته باشد و لازم نیست که کنترل شدنی باشد که سنی به دختری پیش از حد پسر به‌ها باعث ایجاد مشکلاتی مثل ارتباط با دوستان بی‌اعتبار، بهره‌کشی و این‌ها می‌گردد. پسرهای می‌شود که اتفاقاً پدر و زور بیشتر از و قبل پسر و مادرهایی را می‌بینیم که درگیر چنین چالشی شده‌اند، گاهی این‌ها به ما مراجعه می‌کنند و درخواست کمک دارند، ولی در بعضی موارد دیگر کار از کار گذشته و پسران یا بچه‌ها اعتیاد شده یا به درس افتاده است. این‌ها به این معنا نیست که بهره‌کشی و اعتیاد و از این قبیل مسائل دختران جامعه را تهدید می‌کند که اتفاقاً برعکس این مشکلات ممکن است برای بچه‌ها بیشتر باشد. دختران می‌توانند از موارد جامعه بیشتر کنترل‌های خود خرد خوشایند است، اما موارد در دختران کمتر مشاهده می‌شود و دقیقاً به همین خاطر است که ما از مراعات نکردن به‌ها به خاطر پسر و از حد آگاهانه پسران و کنترل نکردن رفت و آمد و روابطشان گذشته می‌کنیم. پس نمی‌توان گفت که تربیت و بزرگ کردن پسران از دختران راحت‌تر است، چون اگر پسر می‌در که هم گریبان‌خوردن را می‌گیرد و هم خانواده‌اش را».

بیاورهایی که هنوز هم زنده اند!

یکی از دلایل پسر دوست‌بودن و عزیزبودن پسر در خانواده و جامعه به سال‌ها پیش می‌رسد. در گذشته پسر به دلیل توانایی جسمی‌اش و اینکه می‌تواند کمک کار پدر و خانواده‌اش باشد و به شکار و جنگ برود از خانواده‌اش حفاظت کند و به عنوان سرزمایه‌ای برای خانواده‌ها به حساب می‌آمد، ولی خیلی‌ها فرزند تئوری‌های جنگ و راندانش از تولدش چنین‌هم خوشحال نمی‌شدند. در کنار آن در گذشته بیشتر پدر خانواده از آملداری و شکاروری بود و یا از پسرهای هوشمند که وقتی به سنی‌ها می‌رسیدند، می‌توانستند پدر و همراهان خود را از خطر و آفت نجات دهند و

[illegible]

کشاورزی می کردند، سر خر خانواده‌ای که پسر بیشتری داشت، محصول و درآمد بیشتری می داشت و به همین دلیل پدرها به با دنیا آمدن پسر فرزندان خود خوشحال می شدند و جشن می گرفتند، چون به پسرهایشان به چشم سرمایه یا به اصطلاح همان عصبی دست نگاه می کردند. علاوه بر اینها در آن دورانی که دائم جنگ جنگ اتفاق می افتاد، همیشه خانواده‌هایی که تعداد بیشتری دختر داشتند، بیشتر آسیب می دیدند و اسیر می دادند و این دختر می‌توانست محکمی بود برای ترس از دختردار شدن اسلاها. گشت و اجتماعات گسترده‌تری تبدیل به جوامع صنعتی شد و باور از حیث فرزند پروری به دختر در بسیاری از جوامع و خانواده‌هایی ملانده، امروزه بایکانه در شهرهایی که همچنان کشاورزی می کنند دختران به پای پسران می کشند و بایکانه به سیر شدن از شهرها و دیگر خرابی از کشاورزی و دامداری نیست، ولی باز هم در خیلی از خانواده‌ها به محض شنیدن فرزند در دختر یا پسر خوششان روزی می کشد که آن را از تو بپارند و به پسر باشد و مشخصه این نوست این است که چند بعد و دو تاچه می‌تواند ادامه در خواهد بود.

گاهی از آن طرف بوم می‌افتم

چند ماه پیش به مناسبت روز دختر به یکی از دستوران‌هایی که به این مناسبت جشنی برپا کرده بود، رفته بودیم. بعد از شام آقای از

تبويض‌های تربيتی و لطمه‌های جدی

[illegible]

این را گفتیم که بگوییم بعضی هایمان از آن طرف بوم می آفتیم.
در این چند سال اخیر نسبت به گذشته خیلی بیشتر
فرزندان دختر با ما داده می شود! بعضی ها می خواهند
بعضی ها نمی کنند، بعضی ها می خواهند گذشته را جبران
کنند و بعضی ها هم قلیا فرزند دختر را نسبت به فرزند پسر
بیشتر دوست دارند. اما بعضی وقت ها عینیم که در این
میانه همه افراط می شود، یعنی چه؟ یعنی اینکه گاهی
پسرها بی توجه به فرزندان پسر، فرحهایی در ستایش فرزند دختر
دهد می شود که باعث آبروریزی و افتخارزدایی برای آنان باشد، همیشه

ببیند و حتی آینده‌اش تباه شود. دکتر غفوریان در این باره این گونه توضیح می‌دهد: «تبعیض‌های تربیتی که گاهی پدرو مادرها تمام می‌دهند پیامدهای بسیاری را به دنبال دارد که شاید خود پدر و مادر هم از آن بی‌اطلاع باشند. زمانی که پدر و مادر تنها به دلیل جنسیت رفتارهای